

«بسم الله الرحمن الرحيم»

السالوادور تبلور قیام و مبارزه
موقعیت استراتژیک آمریکای لاتین همان
اهمیت را برای امریالیسم شرق دارد که منطقه
خاورمیانه برای آمریکا، هر دو ابرقدرت کوشش
زیادی در جهت دست یابی و ایجاد پایگاهی پیرامون
کشور یکدیگر دارند ماهیت اکثر رژیمهای دست
نشانده کشورهای آمریکای مرکزی، آمریکائی است.
ظلم و ستم و خفقان مرگباری که حکام دست نشانده
این کشورها بوجود آورده اند. سبب شده تا قیام ها و
انقلاباتی در این منطقه بوجود آید با پیروزی انقلاب
کوبا و پیروزی سانديست ها در نیکاراگوئه
سازمانها و دستجات سیاسی جنگ های پارتیزانی و
چریکی را بیشترین روش در جهت رسیدن به اهداف
سیاسی خود می دانند از طرف دیگر امریالیسم
آمریکا با اصلی کردن مسئله ی کمونیسم به اقدامات
سرکوبگرانه خود مشروعیت می دهد. آمریکا که

* امریالیسم امریکا هر جا با
مردمی قاطع و قیامی مردمی
روبرو میشود، بلافاصله مارک
کمونیستی و خطر کمونیسم را به
آن می چسباند.

* آمار منتشره از سوی سازمان
عفو بین المللی حاکی از کشتار
حدود ۱۵/۵۰۰ نفر از مردم
السالوادور در طول یکسال
گذشته می باشد.

بیسوادی، کمبود بهداشت و مواد غذایی،
بیکاری، تورم، روبه افزایش السالوادور نتیجه نفوذ
امریالیسم جهانخوار است که سیاست کثیف خود را
بکمک عوامل داخلی و خارجی به اجرا می گذارد.

السالوادور و انقلاب

یکی از اتفاقاتی که باعث شد تا مردم
السالوادور به مبارزه خود با امریالیسم توان
بیشتری ببخشند، انقلاب در نیکاراگوئه و سرنگونی
«سوموزا» دیکتاتور نیکاراگوئه بود.

آمریکا که از انقلاب سه سال پیش نیکاراگوئه
هسایه السالوادور بوحشت افتاده بود جهت
جلوگیری از انقلابی مشابه با انقلاب نیکاراگوئه در
این کشور در ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ «رومرو» دیکتاتور
السالوادور را با کمال عزت و احترام و بدون
خونریزی ساقط نمود و او را روانه خارج از کشور
کرد.

السالوادور در تاریخ سیاسی خود شاهد
کودتاهای فراوانی بوده است که ماهیت همه آنها
آمریکائی بوده است. امریالیسم امریکا حکام دست
نشانده خود را کاملاً مراقبت می کند تا زمانی که ظلم
و ستم آنان بحد نهایت می رسد و نشانه های قیام در
مردم پدیدار می گردد، برای جلوگیری از رشد

السالوادور تبلور قیام و مبارزه

تحمل نیکاراگوئه دیگری را در کنار کوبا ندارد
تلاش زیادی در سرکوبی قیام ملت السالوادور می
کند.

السالوادور و ریشه های استعمار و
استبداد

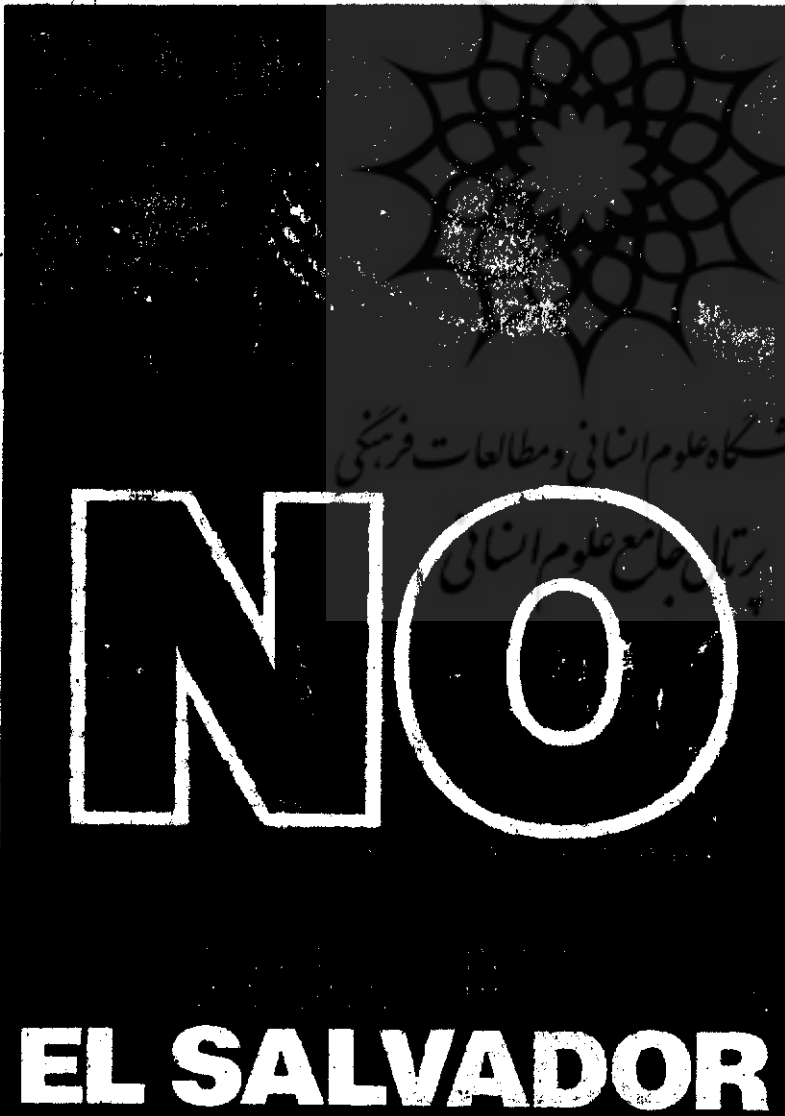
سرزمین کوچک السالوادور واقع در آمریکای
مرکزی، با وسعت ۲۰/۹۳۵ کیلومتر مربع و با
جمعیت ۲/۷ میلیون نفر در غرب نیکاراگوئه قرار
گرفته است، سانسالوادور پایتخت این کشور دارای
۳۷۸/۸۲۷ نفر جمعیت است و سانتا آناوسن میگوئل
از شهرهای مهم این کشور میباشد. از ۱۴۰ سال
پیش که نیروهای اسپانیا از السالوادور خارج شد
اثار استعمار و استثمار در این کشور همچنان قابل
مشاهده و پا برجاست.

اسپانیای استعمارگر سالهای متعددی با
استفاده از نیروهای کشاورزان و کارگران
بهره برداری عظیمی از کشاورزی و معادن این
کشور به عمل آورد. السالوادور یکی از ۳۹ کشور
پردرآمد متوسط جهان است. پرداخت وام جهت رفع
نیازمندیهای مالی السالوادور به منظور انجام برنامه
های اقتصادی و مایحتاج دیگر تا کنون در انحصار
دولت ایالات متحده در آمریکا بوده است. بخش

اعظم فعالیتهای کشاورزی، تولید، فروش، حمل و
نقل و فعالیتهای ساختمانی السالوادور در اختیار
۱۴ خانواده ثروتمند کوزاست آنها چهارده
خانواده اند که نامشان بر سر در ساختمانی بیمه
شهر «سان سالوادور» نوشته شده. آنها صاحب مزارع
بسیار وسیع قهوه در ایالت «لیدتاد» و مزارع پنبه در
منطقه سونسونات هستند، این چهارده خانواده
اختیار حیات اقتصادی و در بسیاری موارد حیات
سیاسی السالوادور را در دست دارند. ایشان انحصار
تجارت پنبه، کاکائو، شکر، روغن خرما، فسفاتها و
دامداری را در دست دارند هم چنین انحصار تولید و
فروش سیمان و حمل و نقل فروش کواکولا و
آبهای معدنی و اتومبیلهای آمریکائی در دست ایشان
است. اکثر جمعیت این کشور را دهقانان تشکیل می
دهند، دستمزد بسیار ناچیز بدون اینکه بهنگام
بیکاری و یا بیماری و بیری تأمین شوند. آنها
بظورشبانه روز در مزارع حاصلخیز قهوه و موز
تلاش می کنند و شرکتهای آمریکائی از تولیدات
آنان سود سرشار و بی حدی می برند.

انقلاب با یک کودتای ظاهری و ساختگی، شخص
گمنامی را بر سر کار می آورد.

تا از وقوع قیام جلوگیری نماید، کشور السالوادور
از سال ۱۹۴۶ تاکنون بطور نسبی هرساله یک
کودتا و یک انتخابات داشته است امریالیسم
آمریکا بلا فاصله پس از ساقط نمودن ژنرال
«کارلوس هامیرتو رومر» یک شورای ۵ نفره نظامی
و غیر نظامی مرکب از ۲ سرهنگ ارتش، و ۳ غیر
نظامی حزب دمکرات مسیحی را سر کار آورد. یکی
از اعضای غیر نظامی این شورا «خوزه ناپلئون
دوارت» بود که در دسامبر ۱۹۸۰ به عنوان اولین
رئیس جمهور غیر نظامی در تاریخ پنجاه ساله اخیر
السالوادور انتخاب شد، این شورا تلاش کرد تا با
رفورمهای اقتصادی، سیاسی چون لغو مالکیت
خصوصی بعضی دارائیها، اصلاحات ارضی،
انتخابات آزاد، و ایجاد روابط دوستانه با نیکاراگوئه



و کوبا خشم دهقانان و کارگران و دانشجویان را بخواباند ولی این کارها درد مردم السالوادور را درمان نکرده و مردم بر اشکال مختلف از تظاهرات و اعتصابات گرفته تا قیام مسلحانه تلاش خود را برای رسیدن به عدالت و آزادی آغاز کردند. شورای ۵ نفره طی حمله‌ای با متجاوز از ۵۰۰۰ مزدوران گارد ملی به مبارزین «جنبش انقلابی» شکست سنگینی را متحمل شد. این اولین برخورد سنگین بین نیروهای مبارز و شورای ۵ نفره بود. جنبش انقلابی که بعدها به نام سازمان «توده‌های انقلابی خلق» نامیده شد در وضع نیر و مندی قرار گرفت به نحوی که توانست مردم را به یک اعتصاب سراسری ۳ روزه دعوت کند. این اعتصاب صورت گرفت و پایه‌های نظامی آمریکائی کشور را به لرزه در آورد.

از زمان روی کار شورای ۵ نفره (۱۹۷۹) تا (۱۹۸۰) بخشی طرف یکسال سازماندهی و بسیجی از چریکها و اتحادیه‌های دهقانان و کارگران و سندیکاهای به عمل آمد و تمامی نیروها تحت پوشش جبهه واحدی بنام جبهه آزادیبخش ملی (فاراماندومارتی) شکل گرفت و بدنبال آن از ۱۹۸۰ (خوزه ناپلئون دوآرت) به عنوان ریاست جمهوری السالوادور انتخاب شد امپریالیسم آمریکا طعم تلخ مداخله نظامی را در ویتنام چشیده بود از این رو با کمکهای مالی و نظامی به رژیم «ناپلئون دوآرت» و حمایت علنی از او امیدوار بود که بتواند قیام مردم السالوادور را سرکوب نماید. آمریکا پس از رسوائی در ویتنام مداخله نظامی را از طریق کشورهای وابسته و بطور وکالتی انجام می‌دهد. تجاوز عراق به ایران یک کار وکالتی بود که صدام از جانب آمریکا عهده‌دار آن شده بود. کشور هند و راس، همسایه السالوادور همواره عامل مهمی در مداخله نظامی غیر مستقیم از جانب آمریکا و دیگر دول غرب در السالوادور بوده است احزاب سیاسی و اهداف نیروهای رزمنده السالوادور.

تا قبل از کودتای نظامی در ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹ حزب «اثنی ملی» که مورد حمایت کلیسای کاتولیک نظامیان و بخشی از کشاورزان بود به مدت ۱۵ سال بزرگترین حزب قانونی السالوادور محسوب میشود «احزاب دمکرات مسیحی» به رهبری ناپلئون دوآرت حزب مخالف در این دوران بود که به رغم تبعید «دوآرت» پس از انتخابات سال ۱۹۷۲ بهشیان نفوذ خود را از طریق ائتلاف با گروههای دیگر و تشکیل «اتحادیه مقاومت ملی» نسبت به احزاب محافظه کار حفظ کرد. احزاب «مردم السالوادور» و «جبهه متحد دمکرات مستقل» از گروههایی بودند که تا قبل از کودتای ۱۹۷۹ در السالوادور فعالیت داشتند. حزب کمونیست السالوادور نیز که در سال ۱۹۳۰ و مجدداً در سال ۱۹۶۹ غو قانونی اعلام شد ولی همچنان به فعالیت زیر زمینی خود ادامه داده است در حال حاضر به رغم به قدرت رسیدن ناپلئون دوآرت رهبر حزب دمکرات مسیحی و یکی از احزاب تشکیل دهنده

السالوادور....

اتحادیه مقاومت ملی به علت عدم وابستگی سایر اعضای در «شورای ۵ نفره» به گروه‌های سیاسی هیچکدام از احزاب حاکمیت دولت را در اختیار ندارند. از آنجائیکه گروه‌ها و احزاب مخالف حکومت نظامیان و شبه نظامیان از سال‌های ۱۹۲۰ مبارزات سیاسی و مسلحانه خود را آغاز کردند. در نتیجه در کنار احزاب رسمی و قانونی که برطرف مختلف وابسته به طبقات حاکم و تحت نفوذ ایالات متحده بودند، احزاب ملی و آزادیخواه نیز فعالیت کم و بیش گسترده‌ای داشته‌اند.

امروز تبلور فریاد آزادیخواهان السالوادور در جبهه‌های متشکل از پنج سازمان بنام جبهه آزادی بخش ملی (فاراباندومارتی) شکل گرفته است که در طی دیدارهای دوره‌ای، عملیات نظامی و برنامه‌های سیاسی خود را در فرماندهی عالی جبهه طرح می‌ریزند. این اتحادی است که از متن و قلب مبارزه برخاسته است و نه به دنبال جبهه‌های مجدد سیاسی، سخنوری جبهه فاراباندومارتی دورنمای آینده السالوادور را اینطور ترسیم می‌کند: ما برنامه‌ای را برای یک حکومت انقلابی دموکراتیک می‌خواهیم که خواستار یک جامعه دموکراتیک باشد. در این حکومت مردم شرکت خواهند کرد و به حقوق بشر احترام گذارده خواهد شد. ماهواره یک ارتش غیرسرمکوب کننده هستیم تا مردم دفاع کند، نه اینکه به آنها حمله کند. ماهمچنین هوادار یک اقتصاد آمیخته هستیم، یک بخش اجتماعی یک بخش ملی شده و یک بخش خصوصی وجود خواهد داشت که در دست قدرتمندان اقتصادی نخواهد بود. اما بر اساس تکنولوژی و کلرشناسان که به سوادکثرت مردم خواهد بود.

سیاست خارجی ماسیاست خارجی جیبینی خواهد بود که بر اساس عدم تعهد کامل قرار خواهد داشت مانمی خواهیم زیر چتر ایالات متحده و یا هر قدرت دیگری باشیم.

امپریالیسم آمریکا حرجا با مردمی فاطح و قیامی مردمی روبرو میشود. پلافاصله مارک کمونیستی و خط کمونیسم را به آن می‌چسباند در السالوادور جبهه مبارزین فاراباندومارتی را بلشویک روسی می‌خواند اگر چه کمک های نظامی و اقتصادی کشورهای نظیر نیکاراگوئه و کوبا به این مردمان زده است ولی باید گفت اصلی کردن کمونیسم ترفندی بیش نیست هر روز شاهد انقلابات و قیام‌های مردم به بند کشیده آمریکای مرکزی هستیم اما تقدن ایدئولوژی صحیح مبارزه و انقلابات کمونیستی نیکاراگوئه و کوبا سبب شده تابشتر مردم در بند ستم

بخش اعظم فعالیت های

کشاورزی، تولید، فروش، حمل

و نقل و فعالیتهای ساختمانی

السالوادور در اختیار ۱۴ خانواده

ثروتمند کشور است.

بیسوادی، کمبود بهداشت

و مواد غذایی، بیکاری، تورم

رو به افزایش السالوادور نتیجه

نفوذ امپریالیسم جهانخوار است

که سیاست کثیف خود را بکمک

عوامل داخلی و خارجی به اجرا

می‌گذارد.

کشورهای امریکای مرکزی، کمونیسم را حلال مشکلات خود میدانند.

گسترار ادامه دارد.

حاکمان السالوادور از ۱۹۲۲ تا به امروز لحظه‌ای از گسترار مخالفان خود که پس از هندوراس و بولیوی از فقیرترین انسانهای امریکای لاتین هستند، غافل نبوده‌اند.

موج گسترار، ترور و آدم ربائی در السالوادور از زمان کودتای اکتبر ۱۹۷۹ در تاریخ این کشور بی سابقه است. فقط در فاصله ماههای ژانویه تا اوت ۱۹۸۰ جمعا ۲۸۲۱ نفر به دست نظامیان و پاندهای مسلح وابسته به سرمایه داران و مأموران امنیتی السالوادور از پای درآمده‌اند. آمار منتشره از سوی سازمان عفو بین‌المللی (۹ ژوئن ۱۹۸۱) حاکی از گسترار حدود ۱۵/۵۰۰ نفر از مردم السالوادور در طول یکسال گذشته می باشد، ۹ هزار نفر از این تعداد فقط در ۷ ماه بقتل رسیده‌اند، میزان کشته شدگان در قیاس با جمعیت اندک السالوادور بسیار عظیم می نماید.

السالوادور شاهد حوادث خونباری است و بلیز م فشارهای زیاد رژیم «دولت» همچنان مبارزه پیگیر خود را ادامه می‌دهد، چریکهای جبهه فاراباندومارتی که از حمایت مردم برخوردارند، با کشتاندن مبارزه در کشتزارها و جنگلها، و روستاها به مبارزه بعد مردمی داده‌اند، اکنون ده شهر نسبتا مهم

السالوادور در دست چریکهای السالوادور می باشد. جبهه ملی (فاراباندومارتی) از تجمع ۵ سازمان که هر سازمان خودبه چندین دسته و گروه تقسیم میشود، شورای هماهنگی انقلابی توده ها (سی آر - ام) از سازمانهای مختلف تشکیل شده که از جمله پیروزی انقلابی خلق بی. آر. بی. جبهه اتحاد نیروی عمل خلق (اف - ا - بی - یو) پیمان خلق ۲۸ فوریه (آل بی - ۲۸) واتحاد دموکراتیک ملی (یو. دی. ان) را می توان نام برد فعالیت های نظامی و چریکی نیروهای انقلابی هر روز اوج بیشتری می گیرد در (جی کانوس) شهر کوچکی که در شمال «سن سالوادور» واقع شده، پنجاه نفر از افراد ارتش انقلابی خلق (تی - آر - بی) مرکز شهر را به کنترل خود درآورده و خیابانی را توسط اتوبوس های دولتی بستند «نی - آر. بی» در سال ۱۹۷۱ از ترکیب اعضای حزب دموکرات مسیحی و فعالین حزب کمونیست پیشین و دیگر نیروها تشکیل شد. در سال ۱۹۷۷ تی - آر بی) که بزرگترین نیروی چریکی به حساب می آید با حزب انقلابی سالوادورها (بی - آر. اس) در تشکیل پیمان خلق ۲۸ فوریه (آل - بی - ۲۸) نقش فعال داشتند. در تسلیح و سازماندهی توده ها سازمانهای دیگری نیز نقش داشتند که از جمله نی - بی - آل و مقاومت ملی (ان. آر) و سازمانهای مورد احترام مردم یعنی اف. آ. بی - یو را می توان نام برد.

«تی. آر. بی» از قدرت نظامی فوق العاده‌ای برخوردار است.

دو سال پیش این سازمان بانوب پازوکا و دیگر وسایل نظامی، ستاد فرماندهی گارملی را مورد حمله قرار داد و این بزرگترین حمله نظامی چریکی از سال ۱۹۷۰ به بعد یعنی از سال شروع جنگ چریکی بوده است از دیگر فعالیت های این سازمان تصرف شهر «سان فرانسیسکو» در ۵۱ مایلی شمال، سن سالوادور، می باشد که در این حمله رئیس اداره روابط عمومی و دیگر سران منطقه را به انتقام سرکوبی مردم محاکمه و اعدام کردند.

این سازمانها باصرف نظر کردن از برخی اختلافات جزئی برنامه سیاسی، نظامی متحد خود را برای حکومت آینده السالوادور و چگونگی مبارزه علیه نیروهای حکومتی تدوین نمودند. انقلاب نیکاراگوئه نمونه موفقیت آمیز برای سازمانهای کمونیستی در کشورهای امریکای لاتین، از طریق جنگهای خیابانی و پارتیزانی جهت تحقق اهداف سیاسی ارائه داده رهبران جنبش موجوده از این تجربه نیکاراگوئه استفاده نموده، صفوف خود را برای سرنگونی رژیم حاکم، بسیج ساختند و جنگ خود را از منطقه شمالی، یعنی از کوهپایه‌ای که در مرز هندوراس قرار داشت، آغاز نمودند. امروزه با در دست داشتن ده شهر، چریکی امکانات بهتر و بیشتری برای مقابله با رژیم دست نشانده «دولت» بدست آوردند.